

Investigating labor actions in the political profession of the Islamic Republic of Iran (dimensions and approaches)

Ali Ashraf Nazari¹

Received Date:6Mar2021

Hossein Chiraghi²

Reception Date:2May2021

Mojtaba Maghsoodi³

Abstract

In recent years, the working class has been in a special and complex situation. On the one hand, there is no job security (temporary contract), mismanagement, low income and wages, the phenomenon of unconventional privatization, and finally the economic downturn due to Quidditch disease and on the other hand the lack of independent trade unions. Semi-governments that do not have bargaining power have been confronted. Every day, these factors have significantly increased the class gap between working class and other society. And every day, we are witnessing labor tensions in parts of Iran. Therefore, this article seeks to answer this question descriptively. What has been the main factor in the formation of workers' actions in Iran after the Islamic Revolution? The hypothesis of this article is that, in addition to the absence of independent labor organizations, privatization seems to be the most important factor in the emergence and formation of workers' actions in Iran after the Islamic Revolution. The findings of this article show that the lack of independent labor unions (syndicates), privatization, downsizing, non-timely payment of wages, low wages and lack of job security and the nature of the renter government, The most important reasons for labor protests in Iran after the revolution.

Keywords: Labor action, labor unions, labor organizations, political sphere, Islamic Republic of Iran

¹Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author) aashraf@ut.ac.ir

²Ph.D. student of Political Science, Tehran Science and Research Unit, Tehran, Iran

³Associate Professor, Department of Political Science, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

بررسی کنش‌های کارگری در سپهر سیاسی جمهوری اسلامی ایران (ابعاد و رویکردها)علی اشرف نظری^۱

تاریخ دریافت: ۱۶/۱۲/۱۳۹۹

حسین چراغی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۲/۰۲/۱۴۰۰

مجتبی مقصودی^۳**چکیده**

جامعه کارگری در سال‌های اخیر در وضعیت خاص و پیچیده‌ای بسر می‌برد. از یک سو، نداشتن امنیت شغلی (قراردادی موقت)، سو مدیریت، درآمد و دستمزدهای ناچیز، پدیده خصوصی سازی نامتعارف و اخیراً "هم رکود اقتصادی بخاطر بیماری کووید ۱۹" و از سوی دیگر نداشتن تشکل‌های صنفی مستقل کارگری، و تکیه به تشکل‌های نیمه دولتی که از توان چانه زنی برخوردار نیستند مواجه گردیده‌اند. این عوامل فاصله طبقاتی کارگران را با دیگر اقشار جامعه بصورت چشمگیری افزایش داده است. و هر روز شاهد بروز تنش‌های کارگری در قسمت‌هایی از ایران هستیم. بنابراین مقاله پیش رو، باروش کیفی - تفسیری درصدد پاسخ به این سؤال می‌باشد. که عامل اساسی در ایجاد شکل‌گیری، کنش‌های کارگری در ایران پس از انقلاب اسلامی چه بوده است؟ فرضیه این مقاله نیز این که بنظر می‌رسد علاوه بر نبود تشکل‌های مستقل کارگری، مهمترین عامل در بروز و شکل‌گیری کنش‌های کارگری در ایران پس از انقلاب اسلامی خصوصی سازی بوده است. از این رو یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که نبود تشکل‌های مستقل کارگری (سندیکاها)، خصوصی سازی، تعدیل نیرو، عدم پرداخت به موقع دستمزدها، سطح پایین دستمزدها و نداشتن امنیت شغلی و ماهیت دولت رانتینر، از مهمترین دلایل بروز اعتراضات کارگری در ایران پس از انقلاب می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کنش کارگری، سندیکاها، کارگری، تشکل‌های کارگری، سپهر سیاسی، جمهوری اسلامی

ایران

^۱دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) aashraf@ut.ac.ir

^۲دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

^۳دانشیار گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مبارزه اقتصادی طبقه کارگردر کشورهای سرمایه‌داری یکی از جهات اساسی این طبقه است که به شکل مطالبات برای بهبود شرایط زندگی، صورت می‌پذیرد. اینکه طبقه کارگر در عرصه مبارزه اقتصادی خویش موفق شده است ساعت کار را از ۱۲ تا ۱۶ ساعت به ۸ و ۶ ساعت در روز برساند، از کارکودکان ممانعت کند، و در عرصه اجتماعی بیمه بازنشستگی، حقوق دوران بیکاری، مرخصی با حقوق به سرمایه‌داری تحمیل کند از دست‌آوردهای موفقیت طبقه کارگردر مبارزه اقتصادی بوده است. کنش کارگری برای تحقق خواسته‌های صنفی خود دست به اعتصاب و گاهی هم به شورش متوسل می‌شوند. شکل مناسب برای کسب امتیازات بیشتر از سرمایه‌داری، شکل آزموده‌ی مبارزات سندیکائی طبقه کارگراست. (کالین لیز، ۱۳۸۶: ۲۷۶-۲۷۹).

رژیم پهلوی با آگاهی از گسترش طبقه کارگر سعی داشت به هر طریقی که شده، علاوه بر مهار حرکت‌های سیاسی کارگران، از آنان به عنوان یک گروه مشروعیت بخش استفاده و نیروی نهفته در این طبقه را کنترل کند. به همین دلیل، رژیم با استفاده از سیاست به اصطلاح هویج و چماق، سعی در هدایت مسیر کارگران به سمت دلخواه خود داشت. شاه خود را به قدری دلگرم به حمایت کارگران می‌دانست که در مصاحبه‌ای در خرداد ۱۳۵۷ عنوان کرد: «هیچ کس نمی‌تواند مرا سرنگون کند، زیرا ۷۰۰ هزار نظامی، کارگران و اکثریت مردم پشتیبان من هستند» (نجاتی، ۱۳۸۶: ۴۹۹). اما کارگران همواره نقش بی‌بدیلی در سرنگونی رژیم پهلوی ایفا کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی کارگران همواره بخاطر تحریم‌ها، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و نوسانات ارزی در کشور بیشترین فشار اقتصادی را بردوش خود کشیده‌اند. مهم‌تر از همه خانه کارگر با آنکه تلاش در جهت مسایل معیشتی کارگران می‌کند اما توان دفاع از جامعه حقوق بگیر، را ندارد.

با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، روند بازسازی اقتصادی کشور آغاز شد. برنامه اقتصادی پیش رود دولت هاشمی رفسنجانی شامل طرح تعدیل نیروی انسانی در کارخانجات انجام گرفت، به این معنی که بخشی از نیروی کار موسسات باید حذف شود. زیرا این دسته از کارگران بازدهی صنعتی یا تولیدی ندارند. خصوصی سازی نیز بخشی دیگر از برنامه دولت برای بازسازی اقتصاد بود که با منجر به بیکار شدن عده زیادی از کارگران شد. کسانی که بیکار می‌شدند از حق بیکاری و یایمه‌های اجتماعی نیز برخوردار نبودند. پس از برخورد شدید دولت با مبارزات کارگری در دوران جنگ و یکی دو سال بعد از آن، بار دیگر تعداد اعتراضات و اعتصابات کارگری افزایش یافت. اما کسانی همچون علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگردر دفاع از کارگران ایستاد و گفت: به تمام مسئولان هشدار می‌دهم که از خصوصی سازی و دفاع از آن فاصله بگیرند. امروز بخش خصوصی انگشت اتهام خود را به سمت کارگران می‌گیرد و آنها را متهم به زیاده‌خواهی می‌کند، در حالی که قربانیان خصوصی سازی یعنی کارگران از همه حقوق به رسمیت شناخته خود در قانون کار به واسطه خصوصی سازی دور شده‌اند. برای نمونه ماه‌ها دستمزد دریافت نکردند، حق ایجاد تشکل را ندارند و زمانی که دست به اعتراض می‌زنند به آنها می‌گویند: چرا این کار را می‌کنید...! (ایلنا، ۲۹/۰۸/۱۳۹۸).

در دهه ۷۰ هم تعدادی زیادی اعتصاب در کشور انجام گرفت که می توان به اعتصاب کارگران شرکت نفت اشاره کرد که ثمره اعتصاب آنها منجر به افزایش دستمزد ماهانه برای همه کارگرها شد. کارگران در این مدت دست به اعتصابات رادیکالتری و آمدن در خیابان ها و بستن بعضی از جاده ها نیز زدند. از اواسط دهه هفتاد، خواسته های دیگری هم در کانون توجهاتشان از قبیل تاسیس تشکل های مستقل کارگری و سندیکاهای کارگری هم قرار گرفت. از ۱۳۶۹ به بعد اقدامات اعتراضی این جنبش ها عموماً به شکل تظاهرات، تجمع و صدور قطعنامه بود.

از یک سوتظاهرات بیشتر با هدف تشریح وضعیت دشوار کارگران بیکار شده به دیگر شهروندان و مقامات مسئول صورت می گرفت. برخی از این گروه ها، مراکز رادیو و تلویزیون را وادار می کردند که اعتراضات و تظلم خواهی شان را به گوش مردم برسانند، (بهداد، ۱۳۸۵: ۸۹). از سوی دیگر در دوره دولت محمد خاتمی، بر عکس اعتراض های دهه هفتاد که عموماً وجه صنفی داشته اند، مبارزات کارگری در کنار مطالبه پیرامون حقوق معوقه و اداره شورایی کارخانجات، پاسخگویی دموکراتیک از منظر سیاسی نیز مطالبه شد (حبیب زاده، ۱۳۷۸: ۴۷).

سیاست دولت های یازدهم و دوازدهم هم بیانگر آن است که «مطالبات کارگران در قلمرو تولید (تشکل ها موجود کارگاهی)، قلمرو مبادله (ساختار تشکیلات استانی و سراسری کارگران) و قلمرو سیاست (وضعیت احزاب کارگری)، نه تنها محقق نگردیده است بلکه، ضعف قدرت سازمانی کارگران ایرانی را نیز در پی داشته است» (خیراللهی، ۱۳۹۷: ۲۷).

پرسشی که در این مقاله به دنبال پاسخ دادن به آن هستیم: این است که مهمترین عامل اساسی در ایجاد شکل گیری، کنش های کارگری در ایران پس از انقلاب اسلامی چه بوده است؟

فرضیه ای که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد عبارت از: بنظر می رسد علاوه بر نبود تشکل های مستقل کارگری، خصوصی سازی مهمترین عامل در بروز و شکل گیری کنش های کارگری در ایران پس از انقلاب اسلامی بوده است.

2- چارچوب نظری

تغییرات اجتماعی به عنوان دگرگونی های قابل رویت در طول زمان در ساخت یا ایجاد وظایف سازمان اجتماعی و نیز استفاده از خشونت برای ایجاد چنین تغییراتی، از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. از اواخر سده نوزدهم باشکل گیری جامعه شناسی یا علوم اجتماعی به معنای جدید، مطالعات علمی در مورد جنبش های اجتماعی آغاز شده و کماکان ادامه دارد (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۰۷). اسملسر در مورد مفاهیم رفتارهای جمعی و جنبش های اجتماعی معتقد است: «معمولاً» جماعت ها دمدمی مزاج، غیر عقلگرا و خودجوش و رفتارشان پیش بینی نشده یا عجیب و

غریب توصیف می‌شوند (اسملسر، ۱۳۸۱: ۳) وی دو مفهوم کنش اجتماعی و رفتار جمعی را متمایز می‌داند؛ کنش اجتماعی آن چیزی است که فردی یا افرادی در اجتماع به صورت منطقی و کارکردی به کنشگری می‌پردازند.

اسملسر در کتاب خویش به بررسی انواع رفتارهای جمعی و جزئیات و ابعاد مربوط به آنها پرداخته است. تاکید بیش از حد وی به الگوسازی نظری برای کلیه رفتارهای جمعی با استفاده از مولفه‌های کنش اجتماعی، باعث پیچیدگی بسیاری از مباحث مطرح شده در کتاب او شده و در نتیجه نتوانسته است تعریف مشخص و ساده‌ای از شرایط و فشارهای ساختاری، ارائه و نقطه تمایز آنها را از همدیگر به صورت قابل فهمی نشان دهد. (تریمرگر، ۱۳۸۸: ۳۰۷).

در دیدگاه اسملسر، پیدایش فشار روحی و اضطراب در اجتماع، موجب عدم رضایت افراد جامعه از وضع موجود می‌شود، به ویژه این که نارضایتی نسبت به عملکرد نهادهای مستقر افزایش می‌یابد و مردم وضعیتی بهتر از وضع موجود را طلب می‌کنند. در چنین شرایطی است که ایدئولوژی (به مثابه مانیفست تغییر و تحول) تکوین پیدا می‌کند. تحول ساختاری و نو سازی، پیدایش دودسته رفتار جمعی رادریبی دارد: الف- هیجان‌های جمعی مانند ترس عمومی و ازدحام. ب- شکل‌گیری جنبش‌هایی بر اساس نظام اعتقادی جدیدی که بسیج عمومی رادریبی دارد. (همان، ۱۴۴)

وی برای سازماندهی عوامل تعیین کننده رفتار جمعی، طرحی را که مشابه مفهوم ارزش افزوده در رشته اقتصاد است بر رفته است. برای آنکه هر نوع رفتار جمعی به وقوع بپیوندد، بسیاری از عوامل تعیین کننده، شرایط ضروری بایستی حضور داشته باشند. باین وجود، این عوامل تعیین کننده بایستی در الگویی معین ترکیب شوند. وقوع مراحل قبلی تعیین کننده الزامی وقوع مراحل بعدی نیست.

آنها وقتی ترکیب می‌شوند تعیین و قطعیت نوع فقر مورد نظر به طور فزاینده‌ای خاص می‌شوند و احتمال رفتارهای جایگزین دیگر از بین می‌رود. هر مرحله در فرایند ارزش افزوده، شرطی است ضروری برای افزوده شدن موثر و مناسب ارزش در مرحله بعد. به علاوه، شرط کافی برای تولید نهایی، ترکیب همه شرایط ضروری بر اساس الگویی معین است. اگر قرار شد محصول تمام شده را "نتیجه" و "مراحل ارزش افزوده" را "عوامل تعیین کننده" بدانیم، آنگاه می‌توانستیم بگوییم با اضافه شدن ارزش هر مرحله، "تعیین نتیجه" به طور فزاینده‌ای خاص تر و تعیین پذیرتر می‌شود. با توسعه زمینه فرایند ارزش افزوده، دائماً زمینه برای بروز نتایج دیگری به جز نتیجه مورد نظر ما کاسته می‌شود.

آنچه در پی می‌آید مؤلفه‌های شش گانه تعیین کننده رفتار جمعی اند که بر اساس منطق بالایی بعد از دیگری ظهور می‌یابند تا به رفتار جمعی مورد نظر بیانجامند:

۱. شرایط مساعد ساختاری: اگر بخواهیم به زبان ساده و در قالب مثال، شرایط مساعد ساختاری وقوع جنبش اجتماعی را تعریف کنیم، می‌توان به وجود شرایط نابرابر در جامعه به عنوان زمینه مساعد ساختاری اشاره کرد. این نابرابری ممکن است در جامعه‌ای سال‌ها به عنوان زمینه مساعد ساختاری وجود داشته باشد، اما تبدیل به فشار ساختاری - که مرحله بعدی نظریه است - نشود. شرایط مساعد ساختاری، حاصل عدم تعادل میان تحول ساختاری و همبستگی اجتماعی است.

۲. فشار ساختاری: شرایط مساعد ساختاری را فعال کنند. محرومیت واقعی یا پیش‌بینی شده جایگاه مهمی در شروع طغیان‌های خصومت‌آمیز، جنبش‌های اصلاحی و انقلابی و... دارا می‌باشد. به عنوان مثال هراس‌های مالی زمانی بوجود می‌آیند که دارندگان سرمایه‌ها فکر کنند که تهدید به ضرر یا نابودی مالی شده‌اند. در تبیین هر مورد رفتار جمعی (به عنوان مثال، هراس) بایستی فشار ساختاری (به عنوان مثال، تهدید محرومیت اقتصادی) را در درون قلمرو ایجاد شده از سوی شرایط ساختاری در نظر گرفت، شاید بتوان گفت فشارهای ساختاری به معنی بالفعل شدن تصور بالفعل شدن شرایط نامساعد ساختاری می‌باشد.

۳. رشد و انتشار عقاید تعمیم یافته: عقیده‌ای است که منبع فشار را معرفی می‌کند، ویژگی‌های معینی را به این منبع نسبت می‌دهد، و عکس‌العمل‌های معینی را در مقابل فشار، ممکن یا مناسب معرفی می‌نماید. زمانی که درک جامعه شرایط مساعد برای جنبش انقلابی وجود داشته باشد، بر اثر عواملی این زمینه‌ها منجر به فشارهای ساختاری و تنش در مولفه‌های زندگی اجتماعی می‌شوند و بتدریج باورهای شروع به رشد و گسترش کرده و منبع فشارها و ناهمگونی‌ها را مشخص و وضعیت مطلوب برای آینده را ترسیم می‌کنند. به بیانی دیگر باور تعمیم یافته، نظام کلامی یا مجموعه‌ای شفاهی یا کتبی از درک فشار ساختاری است که به وضوح نوع فشارها و منبع آنها را نشان می‌دهد و به فعالیت اعضای جنبش معنا می‌دهد.

۴. عوامل تسریع کننده: شامل حوادث و وقایعی است که عوامل پیشین را فعلیت می‌بخشد. این وقایع ممکن است موجب تأیید یا توجیه ترس‌ها یا نفرت‌های موجود در عقاید تعمیم یافته شوند، ممکن است شرایط فشار را بنیان نهند یا در آن مبالغه ورزند، یا اینکه ممکن است که شرایط فشار را شدیداً باز تعریف نمایند. در هر حال، این عوامل تسریع کننده محتوای انضمامی و فوری را در اختیار عقاید تعمیم یافته قرار می‌دهند. به عبارت دیگر وجه نظری باورهای تعمیم یافته، از طریق عوامل تسریع کننده، برای مخاطبین و توده‌ها ملموس می‌گردد.

۵. بسیج مشارکت کنندگان برای کنش: پس از استقرار عوامل تعیین کننده پیش‌تر یاد شده، و در وضعیتی که توده‌ها به شدت برانگیخته و آماده اقدام هستند، تنها شرط ضروری که باقی می‌ماند آن است که گروه متأثر را به کنش در اندازیم. پیدایش رهبران کاریزما، برای هدایت جنبش اجتماعی است. در این فرایند، بسیج سازی و رفتار رهبران بی‌اندازه دارای اهمیت است.

۶. عملکرد کنترل اجتماعی: کنترل‌های اجتماعی رامی‌توان به دو نوع گسترده تقسیم نمود: الف: کنترل‌های اجتماعی که شرایط مساعد ساختاری و فشار را به کمترین اندازه می‌رسانند؛ این کنترل‌ها از وقوع یک مورد رفتار جمعی جلوگیری می‌کنند. در واقع این کنترل‌ها به نحوی پیشگیرانه، از وقوع رفتار جمعی مخالفت آمیز جلوگیری می‌کنند. ب: کنترل‌های اجتماعی که صرفاً پس از آن که یک مورد جمعی آغاز به شکل‌گیری و تحقق نموده، بسیج می‌شوند. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

مقاله حاضر بر پایه مرحله دوم و دیدگاه نیل اسملسر یعنی فشار ساختار تمرکز دارد. در دیدگاه اسملسر، پیدایش فشار روحی و اضطراب در اجتماع، موجب عدم رضایت افراد جامعه از وضع موجود می‌شود، به ویژه این که نارضایتی نسبت به عملکرد نهادهای مستقر افزایش می‌یابد و مردم وضعیتی بهتر از وضع موجود را طلب می‌کنند (مشیر زاده ۱۳۷۵: ۱۰۷). سندیکای کارگری در ایران پس از انقلاب بر مبنای نظریات علمی میان تبعیض و نابرابری با ایجاد جنبش‌های اجتماعی و شورش‌های سیاسی و اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد هرچقدر که در جامعه‌ای تبعیض‌های سیاسی و اقتصادی و نیز نابرابری‌های اجتماعی گسترش و عمق بیشتری داشته باشد به همان نسبت شورش‌های سیاسی، اعتراض‌های اقتصادی و جنبش‌های اجتماعی گسترش و عمق بیشتری خواهد داشت (بشیریه، ۱۳۵۸).

آنچه که در مورد کارگران با فشار اقتصادی اسملسر صدق می‌کند کارگران به خاطر دستمزد پایین، نپرداختن به موقع حقوق، و تورم ناشی از وضعیت اقتصادی، دولت را نتینرو و خصوصی سازی که کنترل، مالکیت و یا مدیریت از دست بخش دولتی خارج و به دست بخش خصوصی سپرده شد و در نهایت، دامنه نفوذ مستقیم دولت بر فعالیت‌های اقتصادی محدود شد و تمرکز فعالیت‌ها در بخش خصوصی افزایش یافت و موجب بیکاری و تعدیل نیرو و نهایتاً "موجب خشم و شورش کارگران شده است.

۳- تکوین و تحول کنش‌های کارگری در ایران

جنبش‌های کارگری از ابتدای پیدایش تاکنون فرازونشیب‌های فراوانی سپری کرده است از انقلاب مشروطه طبقه کارگر جدیدی در ایران تحت تأثیر گسترش روابط با غرب، به ویژه انقلاب اکتبر در روسیه ظهور یافت پس از تحکیم قدرت مشروطه، اندیشه‌های سوسیالیستی جاذبه بیشتری در بین طبقه کارگر کوچک ایران به ویژه در نواحی شمالی یافت. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۵) آنچه از وضعیت مهاجران ایرانی در روسیه و بویژه منطقه قفقاز در منابع رسمی یا یادداشت‌های شخصی به ثبت رسیده نشان می‌دهد که کارگران ایرانی در این کشور در وضعیتی طاقت فرسایه رسمی بردند و از نظر مالی اغلب در مضیقه بودند. به عنوان مثال، در سال ۱۲۸۴ کنسول ایران در باکو به دولت ایران اطلاع داد که حدود بیست هزار تبعه تهنیدست و گرسنگی کشیده ایران در باکو زندگی می‌کنند. بسیاری از این مهاجران به کارهای کم درآمدی از قبیل کشاورزی در مقابل دریافت دستمزد، باربری یا مزدوری در کارخانه‌ها و دیگر بنگاه‌های صنعتی اشتغال داشتند که با گذشت زمان تعداد ایرانیانی که در مراکز صنعتی سرگرم به کار بودند افزایش یافت.

به عنوان مثال، تعداد کارگران ایرانی در صنعت نفت با کوه که در سال ۱۸۹۳ میلادی (۱۲۷۲ خورشیدی) کمی بیش از یازده درصد بود، ده سال بعد به بیش از ۲۲ درصد افزایش پیدا کرد. (اشرف، ۱۳۸۸: ۳۲) نخستین اعتصاب ثبت شده کارگران در ماه های پیش از انقلاب مشروطیت در سال ۱۹۰۶ میلادی (۱۲۸۵ خورشیدی) صورت گرفت. ماهیگیران بندرانزلی در اعتراض به قیمت پائینی که برای صیدشان پرداخت می شد اعلام کردند که از آن به بعد صید خود را تحویل نخواهند داد بلکه خود مستقیماً آن را خواهند فروخت. (فلور، ۱۳۷۵: ۱۴۷) با توسعه دامنه جنبش مشروطه طلبی در ایران، آن دسته از کارگران محرومیت کشیده ای که یادرجستجوی کار به روسیه و قفقاز رفته بودند نیا در نتیجه تماس با کارگران آگاه تر یا گروه های سیاسی تازه شکل گرفته، گرایش سیاسی یافته بودند.

پیروزی جنبش مشروطیت منجر به آرام کردن اوضاع پرتلاطم سیاسی و اقتصادی کشور نشد. فرازونشیب های سیاسی همچنان ادامه داشت و آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۲۹۳ خورشیدی) نیز اوضاع اقتصادی کشور را وخیم تر کرد. (فوران، ۱۳۷۸: ۶۰). از هنگام وقوع کودتای سال ۱۲۹۹ ه. ش و کشمکش های سیاسی چهار سال پس از آن که به خلع احمدشاه قاجار از سلطنت و پایان حکومت سلسله قاجار انجامید فعالیت های سیاسی تا اندازه ای رونق گرفته بود اما به دلیل وضع نابسامان اقتصادی و عدم توسعه بخش صنعتی، کارگران در وضعیتی بسیار بد به سر می بردند. رضاشاه پهلوی از همان ابتدای به دست گرفتن قدرت، سندیکاهای کارگری را به رسمیت نشناخت و فعالیت آنها را غیر قانونی اعلام کرد. نشریات وابسته به این سندیکاهای نیز به مرور زمان توقیف شدند و در نتیجه اتحادیه های کارگری ناچار شدند به طور مخفیانه به فعالیت خود ادامه بدهند.

سندیکاهای اتحادیه های کارگری بین سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ امکان فعالیت و مبارزه علنی نداشتند بار دیگر امکان رشد و فعالیت یافتند و در سال ۱۳۲۰ سندیکاهای متعددی تشکیل شد. (فوران، ۱۳۸۴: ۵۲). با توسعه سرمایه داری دولتی و رشد صنایع داخلی در ایران تعداد کارگران نیز در سراسر کشور بالا رفته بود و پس از سقوط رضاشاه فعالیت اتحادیه های کارگری شدت گرفت. در سال ۱۳۲۳ با پیوستن سه اتحادیه کارگری، "شورای متحده مرکزی، اتحادیه های کارگران و زحمتکشانشان ایران" تشکیل شد و طی مدت کوتاهی موفق شد بخش عمده ای از کارگران ایران را به عضویت خود درآورد. این شورادر سال ۱۳۲۴ به نام کارگران خواستار کار، قانون بیمه کارگران و آزادی بیان و اجتماعات طبق قانون اساسی شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۶۴) در واکنش به چنین اقدامی، کارگران نفت تهران و سپس آبادان دست به اعتصاب زدند. دولت در آبادان حکومت نظامی اعلام کرد، عده ای از کارگران نفت در درگیری هایی که بین آنها و نیروهای مسلح در گرفت، کشته شدند و اعتصاب فرو خوابید.

با مطرح شدن موضوع ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۹، کارگران نفت بار دیگر دست به اعتصاب هایی زدند که این بار برای این صنعت سرنوشت ساز بود. در فروردین ۱۳۳۰، چند روز پس از به روی کار آمدن حسین علاء به عنوان نخست وزیر، کارگران نفت در بندر معشور (ماه شهر) دست به اعتصاب زدند که

در جریان آن، درگیری های خونینی بین نیروهای دولتی و کارگران روی داد. دامنه اعتصاب بسرعت از بندر معشور گذشت و به شهرهای دیگر و گروه های غیر کارگری کشیده شد. به عنوان مثال، دانشجویان دانشگاه تهران و کارگران شهرهای اصفهان ورشت به نشانه همدردی دست به اعتصاب زدند و در بعضی موارد در زد و خوردهایی که بین نیروهای شهربانی و اعتصابیون در گرفت افرادی کشته یا زخمی شدند، در این زمان یعنی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ فعالیت اتحادیه های کارگری به اوج خود رسید. (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

از کودتای مرداد سال ۱۳۳۲ تا سال های اول دهه ۱۳۴۰ فعالیت های کارگری بسیار محدود و پراکنده بود. پس از این کودتا نظامیان بر امور کشور حاکم شده، احزاب سیاسی همراه با اتحادیه های کارگری و شخصیت های مخالف رژیم به شدت سرکوب شدند. در واقع از سال ۱۳۳۳ به بعد هیچ اتحادیه کارگری مستقل در ایران وجود نداشت. اگر هم برخی اتحادیه های کارگران کارخانه های شیشه سازی، نساجی و کارگران شرکت ملی نفت در شرایط خاصی به فعالیت می پرداختند، فعالیت آنها غیر سیاسی و تنها در حوزه دستمزد و وضعیت محیط کار بود. رهبران کارگران در واقع افراد مزدور مقامات امنیتی برای گزارش فعالیت کارگران بودند و تلاش می کردند تا سیاست دولت را بر آنان تحمیل کنند. (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۳۵۸) در همین دوران بود که دولت منوچهر اقبال در سال ۱۳۳۷ قانون کار جدیدی به تصویب مجلس شورای ملی رساند. قانون جدید که با مشارکت کارشناسان سازمان بین المللی کار تدوین شده بود بودجه ای قانون کاری رامی گرفت که به دنبال مبارزات کارگری در دهه ۲۰ به تصویب رسیده بود. اما این قانون تغییری در ماهیت سیاست کارگری دولت که در جهت رسمی کردن اتحادیه های کارگری بود، بوجود نیاورد. بارشده صنایع داخلی در این سال ها زمینه مناسبی برای توسعه طبقه کارگرایجاد کرد. در دهه ۴۰ فعالیت سندیکاهای باردیگر آزاد شد. غالب این سندیکاهای در چارچوب دولت کار می کردند و به همین دلیل هم می شود گفت که سندیکاهای دولتی بودند و استقلال کامل نداشتند اما بعضی صنف ها سندیکاهایی داشتند که تا حدی مستقل فعالیت می کردند. (اشرف، ۱۳۸۷: ۵۶).

۳/۱- مقایسه شکل های کارگری قبل و بعد از انقلاب

این مقاله نشان می دهد که مقایسه شکل های کارگری قبل و پس از انقلاب اسلامی که در سال های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ جمعاً حدود ۳۲ سندیکای کارگری وجود داشته است. پس از تصویب قانون کار و بعد از آن تا سال ۱۳۳۵، فعالیت های سندیکایی چندان چشم گیر نبود و از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۳، ۷۳ سندیکای کارگری در تهران و ۳۸ سندیکای کارگری در شهرستان ها و ۵۱ سندیکای کارفرمایی در تهران و شهرستان ها که اکثریت آن در تهران بود، تشکیل شد. فعالیت سندیکاهای در سال ۱۳۴۳ در سطح حرفه و کارگاه محدود گردید. در پایان سال ۱۳۴۸، تعداد ۲۷۰ سندیکای کارگری و ۱۶ سندیکای کارفرمایی فعالیت داشتند. (سایت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی). اما در پایان سال ۱۳۵۳، تعداد ۶۱۲ سندیکای

کارگری، ۲۰۳ سندیکای کارفرمایی، ۱۴ اتحادیه کارگری و یک اتحادیه کارفرمایی فعالیت داشتند که این تعداد در سال ۱۳۵۷ به ۱۲۱۶ سندیکای کارگری و کارفرمایی و ۲۶ اتحادیه کارگری و کارفرمایی افزایش یافت.

از فروردین ماه سال ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تعداد ۸۹ سندیکا بر سندیکاهای قبلی نیز اضافه شد و تعداد سندیکاهای فعال به ۱۳۰۵، بالغ گردید و سپس کارگران با توجه به سوابق و خواست انقلابی خود به تشکیل شورای اسلامی کار مبادرت نمودند و به استثنای تعدادی از سندیکاهای کارگران صنوف، در مورد سایر سندیکاهای کارگری تجدید انتخابات به عمل نیامد و در پایان حکومت قانون کار مصوب ۱۳۳۷ یعنی تا ۳ اسفند ماه ۱۳۶۹ جمعاً ۳۶ سندیکای کارفرمایی و ۲ سندیکای کارگری فعالیت داشتند.

گفتنی است تا سال ۱۳۵۹ تعداد سندیکاهای به سرعت در حال افزایش بود اما پس از آن عملاً فعالیت سندیکاهای راکد شد و کارگران اقدام به ایجاد تشکلهای دیگری به نام شورای اسلامی کار نمودند که این شوراهای عملاً جایگزین سندیکاهای قبلی شد، آمارهای موجود نشان می دهد که تا پایان سال ۱۳۸۴ تعداد ۲۴۲۹ شورای اسلامی کار و تعدادی انجمن صنفی کارگری به ثبت رسید. که این ارقام تا سال ۱۳۹۷ به عدد ۱۰۱۹۶ افزایش نشان می دهد که نسبت به قبل از انقلاب اسلامی که سندیکاهای کارگری به رسمیت شناخته بودند افزایش چشمگیری را نشان می دهد. با این وجود کنش های کارگری هم به تناسب افزایش انجمن های صنفی و کارگری به نوبه خود در سالهای اخیر اعتراض های چشمگیری داشته است. بطوری که کارگران در سال ۱۳۹۸ بخاطر عدم پرداخت حقوق در شرکت های یی از قبیل هپکواراک- هفت تپه شوش و... بیشترین اعتراض ها را داشته اند.

بیشترین تشکلهای ثبت شده یعنی انجمن های صنفی و شوراهای اسلامی کار نمایندگان کارگری و کانون های آنها از نوع تشکلهای دولتی هستند که مطابق با اساسنامه های شان وابسته یا تحت نفوذ دولت و کارفرما تشکیل و اداره می شوند. می بینیم بخش اعظم کارگران ایران شاغل در بنگاه های تولیدی و صنعتی و به ویژه واحدهای خدماتی حتی در این تشکلهای دولتی هم متشکل نشده اند.

بزرگ ترین جمعیت کارگری ایران در بخش خدمات اشتغال دارند در حالی که ۴۹.۸ درصد از جمعیت کل نیروی کار شاغل را تشکیل می دهند و مولد ۵۷.۳ درصد از تولید ناخالص داخلی هستند. بخش اعظم شاغلان این رشته به غیر از معلمان، شاغلان شبکه ی بهداشت و درمان، کارکنان شهرداری ها، کارکنان سیستم های اداری و مالی عمدتاً در بنگاه ها و کارگاه های کوچک چند و حتی تک نفره اشتغال دارند.

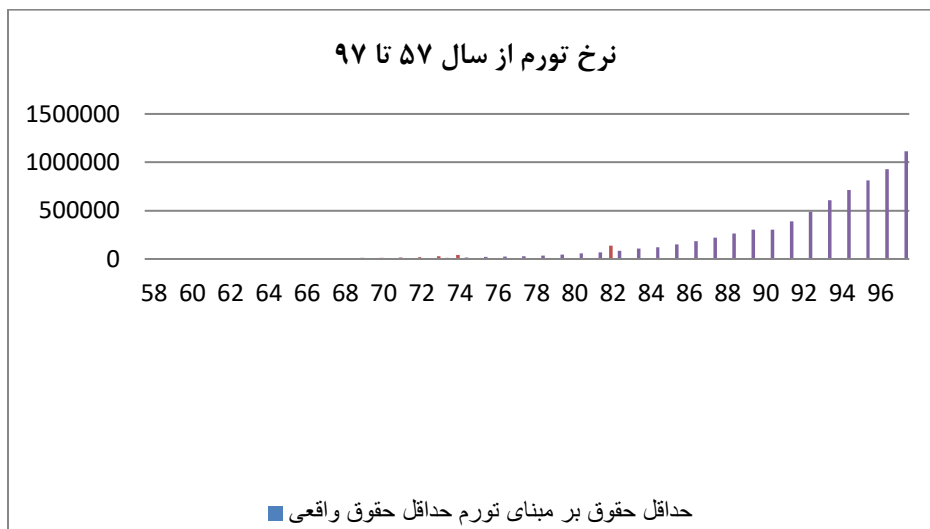
امروزه جمعیت کارگرایان جمعیتی بیش از ۲۶ میلیون نفر در بخش‌های صنعت، معدن، خدمات، کشاورزی و خدمات اداری و بانکی دارد. کارگران در شرایط مختلف استخدامی و برقراری رابطه‌ی کار شامل ۱۳.۷ میلیون بیمه شده (بخش خصوصی)، ۳.۷ میلیون مزدبگیر شاغل در بخش عمومی، ۳.۲ میلیون بازنشسته و مستمری‌بگیر سازمان تامین اجتماعی، ۶.۲ میلیون بیکار و شمار بسیار زیادی مزدبگیر بخش خصوصی بیمه نشده وجود دارد، در راستای تولید یا تحقق ارزش اضافه به کار گمارده می‌شوند. (مرکز آمار ایران) این نیروی اجتماعی بالقوه نیرومند اما خفته و بیمار که هر از گاهی متاثر از فشارها و کنش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی و اکنش‌هایی غالباً تدافعی و پراکنده و گاه به‌طور مقطعی خشن و فراگیر از خود نشان می‌دهد، به دلیل نبود آگاهی طبقاتی و دیگر عوامل موثر، از داشتن تشکل طبقاتی مستقل و ویژه و حضور تاثیرگذار در سرنوشت خود و جامعه محروم است. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۳۱).

۳/۲- نرخ تورم، حقوق کارگران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷

حداقل حقوق و دستمزد در هر کشور یکی از شاخص‌های تامین رفاه حداقلی برای کارگران و اقشار کم‌درآمد جامعه است. البته برای بررسی جامع سطح رفاه مردم هر کشور، لازم است شاخص‌های دیگری نیز بررسی شوند. بر همین اساس جهت مشخص شدن میزان کاهش قدرت خرید مردم، ناشی از تورم‌های سالانه، در نمودار زیر میزان حداقل دستمزدها و نیز میزان شاخص‌های سالانه قیمت از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ درج شده است. به این ترتیب، این شاخص هانشان می‌دهد طی ۴ دهه گذشته، تورم ناشی از عدم توازن‌های اقتصادی، خیلی نتوانسته قدرت خرید کارگران و اقشار حقوق‌بگیر را هدف قرار دهد. فقط در سال ۱۳۵۸ حقوق کارگران با نرخ تورم همخوانی یکسان داشته است. (حداقل حقوق یک کارگر ۱۷۰۱ و نرخ تورم ۱۷۰۱ تومان) در بقیه سال‌ها فاصله طبقاتی و نرخ تورم با حقوق کارگران یکسان نبوده و این نشان از فقیرتر شدن کارگران را دارد. بر مبنای آمارهای رسمی کشوری ۴ دهه حاکمیت انقلاب اسلامی، قشر آسیب‌پذیر که حداقل حقوق را دریافت می‌کنند از تورم‌های سالانه تاچه اندازه آسیب دیده‌اند. (سایت الف ۱۰ فروردین ۹۸).

آمارها نشان می‌دهد، بصورت کلی، دستمزدها، میزان تورم را دنبال کرده است؛ به این معنا که دستمزدهای حداقلی جامعه، تقریباً با تورم تعدیل شده است. بدترین شکاف بین این دو شاخص در سال ۳۶۸ (پایان جنگ تحمیلی) رخ داده است؛ در این سال، میزان تورم، قیمت‌ها را ۴ برابر میزان حداقل دستمزد افزایش داده بود؛ اما این مقدار طی سال‌های بعد از آن تعدیل شد و به حدود ۱.۳ برابر کاهش یافت؛ رقمی که هم‌اکنون نیز صادق است. برای نمونه دستمزد کارگران در سال ۱۳۹۷ بصورت تقریبی در نمودار نشان می‌

دهد که حداقل دستمزد کارگر ایرانی به ازای هر ساعت کار معادل ۶ هزار تومان است، در حالی که حداقل دستمزد ساعتی در لوکزامبورگ ۱۱.۵ دلار معادل ۱۹ برابر حداقل دستمزد در ایران است. (تابناک ۲۳ آذر ۱۳۹۷).



۴- دولت هاپس از انقلاب و کارگران

طبق قانون کار جمهوری اسلامی ایران، حق تشکل برای کارگران و کارفرمایان به رسمیت شناخته شده است. تشکلی که در قانون کار برای کارگران مجاز دانسته شده است، انجمن صنفی است. بر اساس ماده ۱۳۱ قانون کار «در اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان که خود متضمن حفظ منافع جامعه می باشد، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می توانند مبادرت به تشکیل کانون انجمن های صنفی نمایند (قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۳۰ و ۱۳۱، صص ۴۴-۴۶). اما یک تناقض آشکار هم در قانون سندیکایی کارگران ایران دیده می شود که حق اعتصاب برای آنها به رسمیت شناخته نشده است. مصوب سال ۱۳۳۷ و قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ حق اعتصاب به رسمیت شناخته نشده است. در قانون کار سال ۱۳۶۹ نیز این حق برای کارگران نادیده گرفته شده است.

با اوج گیری پیروزی انقلاب اسلامی سازمان دهی کمیته های اعتصاب در مراکز کار اعتصاب سراسری در کشور به راه انداخته شد. با پیوستن شرکت نفت به اعتصاب در تیرماه ۵۷ حرکات کارگری به اوج خود رسید. به دنبال اعتصاب کارگران نفت، کارخانه های دیگری مانند صنایع سیمان، ماشین سازی، ذوب

آهن، تولیدکنندگان کفش و فلزکاران و بسیاری دیگر به این اعتصاب پیوستند. کارگران بسیاری از صنایع، شوراهای کارگری ای تشکیل دادند که فعالیت و مبارزات آنها را سازماندهی می‌کرد. پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ بدون همکاری و مشارکت کارگران صنایع امکان پذیر نمی‌بود. این پیروزی به آنها ثابت کرد که می‌توانند با نیروی خود در شکل‌گیری وقایع سهم باشند. (ازغندی، ۱۳۸۲: ۲۸۵). کمیته‌های مخفی اعتصاب شوراهای کارگری در اکثر کارخانجات و موسسات صنعتی شکل گرفت، و در کوتاه‌ترین زمان شوراهای کارگری کارخانجات توانستند مدیریت موسسات و کنترل تولید و توزیع را بدست گیرند. در این مدت سندیکای کارگران پروژه‌ای اخراجی و بیکار در آبادان، شیراز و تهران تشکیل گردید که در آبادان بیش از ۱۸۰۰۰ عضو، در شیراز ۵۰۰۰ و در تهران حدود ۸۰۰۰ عضو داشت. این سندیکا در شیراز توانست برای یک دوره ۶ ماهه حق بیکاری را از دولت طلب کرده و بدین وسیله نقش سندیکا و اعتبار آن را در بین کارگران افزایش دهد.

در سال‌های ۱۳۵۶-۵۷ پروتاریای صنعتی، به ویژه کسانی که در یقه سفید، به انقلاب پیوستند. اینان با اعتصاب‌های خویش، باعث تقویت کارآیی مخالفت‌ها و افول صنایع در خدمات اساسی شدند. ولی کارگران صنعتی بخش خصوصی در طول دوران انقلاب نسبتاً غیرفعال بودند. برای نمونه در طی ماه‌های سرنوشت‌ساز مهر و آبان ۱۳۵۷ ه.ش، این گونه گزارش شده است که از میان ۷۷۳ کارگاه بزرگ صنعتی (بیش از صد کارگر)، تنها ۱۱۰ کارگاه (۱۲ درصد) در اعتصاب‌های اعتراض آمیز مشارکت داشته اند. حتی گروه‌های مارکسیستی به طور آشکار شکایت خود در مهر ۱۳۵۷ شمسی اظهار نمودند. (اشرف، بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). قانوناً مطابق قانون کار ایران، تشکل‌هایی که بدون مداخله و حضور نمایندگان دولت فعالیت کنند مغایر با قانون کار ایران اند و همین امر موجب بروز اختلاف میان دولت و کارگران واحدهای خدماتی-تولیدی شده است. (بشریه، ۱۳۸۳: ۱۱۴). این وضعیت تا زمان آغاز جنگ تحمیلی در مهر ماه سال ۱۳۵۹ ادامه یافت. در طی این سال فشارهای ناشی از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به جامعه منتقل شد و در محیط کار نیز خانه کارگر در صد منحل کردن شوراهای درآمد بین سال‌های ۵۸ تا ۶۹، ایران عملاً دارای قانون کار نبود. تدوین و تصویب قانون کار بیش از ۱۰ سال به طول و عاقبت تا سال ۱۳۶۹ ادامه و سرانجام در این سال بود که قانون کار جدید به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسید.

در این دوره اقدامات اعتراضی این جنبش‌ها عموماً به شکل تظاهرات، تجمع و صدور قطعنامه بود. تظاهرات بیشتر با هدف تشریح وضعیت دشوار کارگران بیکار شده به دیگر شهروندان و مقامات مسئول صورت می‌گرفت. برخی از این گروه‌ها، مراکز رادیو و تلویزیون را وادار می‌کردند که اعتراضات و تظلم خواهی‌شان را به گوش مردم برسانند، (بهداد، ۱۳۸۵: ۸۹).

در دولت پنجم که به ریاست هاشمی رفسنجانی کار خود را رسماً از ۲۵ مرداد ۱۳۶۸ ه.ش یعنی از پایان جنگ تحمیلی آغاز شد و اجرای برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب کلید خورد در این دوره همزمان با

افزایش درآمدهای نفتی و دریافت وام‌های خارجی، دولت سیاست درهای باز اقتصادی را به اجرا درآورد. با اجرای این برنامه، حجم واردات به سرعت افزایش یافت و از ۶/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ ه.ش به بیش از ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ ه.ش رسید. افزایش حجم نقدینگی، تورم، کاهش قیمت نفت و تشدید تحریم‌های آمریکا در کنار سیاست‌های اقتصادی شرایط نامساعدی را برای بخش تولید بویژه قشر کارگری ایجاد کرد. در این دوره به دلیل خاتمه جنگ و مساعد شدن فضای آزادی‌های نسبی، کنش‌های کارگری بیش از دهه گذشته در قالب تجمعات، اعتراضات و در اغلب موارد بستن جاده‌های تعطیلی کار، خودرانشان داد. (همان ۱۶۰). در سال ۱۳۶۷، روند بازسازی اقتصادی کشور آغاز شد. در این دوران سیاست اقتصاد لیبرالی دولت هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، زمینه تعدیل نیرو در کارخانجات شد. با شروع روند واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی حذف نیروی کار با زدهی پایین در کارخانجات صنعتی و تولیدی توجیه اقتصادی پیدا کرد. همین علت تعداد اعتصابات و کنش‌های کارگری را افزایش داد.

بین دی ماه سال ۶۹ تا اسفند ۷۰ چند اعتصاب مهم انجام گرفت که مهمترین آنها اعتصاب کارگران نفت بود که در نهایت منجر به افزایش ۲۰۰۰ تومانی دستمزدها به همه کارگرها شد. (۱۹۸۴:۸۸) اشیریه (ashirieh) کارکنان شرکت نفت بار دیگر در سال ۱۳۷۵ دست به اعتصاب بزرگی زدند و در جریان اعتصاب نمایندگان خود را از چند شهرا انتخاب کردند و علاوه بر خواسته‌های رفاهی تقاضا برای تشکیل کمیته مستقل کارگری را نیز در آن مطرح کردند.

در همین دوران است که کمیته‌هایی برای حمایت از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری به وجود آمد و بحث ضرورت به وجود آمدن تشکل‌های مستقلی که بتوانند از خواسته‌های کارگران دفاع کنند، در بعضی از مطبوعات کارگری نیز مطرح شد. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۵۹). اما آقای حسین کمالی، دبیرکل حزب اسلامی کار نظر دیگری در مورد کارگران در دولت هاشمی رفسنجانی دارد اومی گوید: اکثر دستاوردهایی که جامعه کارگری دارد مربوط به دوران آیت‌الله هاشمی است. تنها دوره‌ای که آنان توانستند مزد حقیقی خود را دریافت کنند زمان دولت سازندگی بود. در آن ایام ۲۰۰ میلیون دلار برای بن کارگری قرارداد که ما مواد غذایی ارزان در اختیار کارگران قرار دهیم. در همان مقطع واگذاری یک سوم از سهام صنایع به خود کارگران مطرح شد. این مطالبات را به‌دانش کارگری احداث شد. (خانه ملت، ۲۳/۱۰/۹۶).

یکی از دستاوردهای اصلی انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ ایجاد اعتماد به نفس و تقویت خودباوری در میان کارگران بود که خود را به صورت خواست‌های مشخص کارگران مانند تشکل‌های کارگری و گفتگوی با کارفرما برای رسیدگی به مطالباتشان متجلی ساخت. مطالعه همین مبارزات پراکنده نشان می‌دهد که مهمترین خواسته‌ای که در آنها مطرح می‌شود، به ویژه در اواسط دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، مطالبه دستمزدهای عقب افتاده یا اعتراض علیه اخراج و بیکاری است. در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) روند تحركات کارگران کماکان ادامه یافت. با تشکیل دولت احمدی نژاد تصور اولیه این بود که زمینه تحقق مطالبات کارگران در مقایسه با دوره‌های پیشین، وضعیت بهتری

خواهد یافت. (بهداد، ۱۳۸۷: ۳۱۰) اما این اتفاق هم نیفتاد. رشد فزاینده تحرکات کارگری نشان می‌دهد که دولت روحانی نیز مانند دولت‌های پیشین، مطالبات کارگران و تحرکات کارگری را صرفاً از زاویه رسمی و به نمایندگی از تشکل‌های دولتی کارگران مانند خانه احزاب و سندیکاها، دولتی به رسمیت می‌شناسد و برنامه خاصی برای رفاه کارگران بصورت جدی در دستور کار قرار نگرفته است.

۵- دلایل بروز کنش‌های کارگری

بانگاهی به اعتراضات و کنش‌ها کارگری در سال‌های پس از انقلاب می‌توان ریشه و عوامل آنها را چنین بیان داد:

۵/۱- **خصوصی سازی:** خصوصی سازی و یا شبه دولتی سازی‌ها یا آنچه «خصوصی سازی» نام گرفته در اکثر موارد منجر به تضعیف موقعیت کارگران شده است. خصوصی سازی به مجموعه‌ای از اقدامات گفته می‌شود که در قالب آن در سطوح و زمینه‌های گوناگون، کنترل یا مالکیت و یا مدیریت از دست بخش دولتی خارج و به دست بخش خصوصی سپرده می‌شود. در نهایت، دامنه نفوذ مستقیم دولت بر فعالیت‌های اقتصادی محدود می‌شود و تمرکز فعالیت‌ها در بخش خصوصی افزایش می‌یابد (بهکش، ۱۳۳۸: ۱۱۱).

بستن واحدهای خصوصی شده و اخراج کارگران و سپس فروش زمین و تجهیزات و یا اخراج عده‌ای از کارگران تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی، گسترش قراردادهای موقت و ورود شرکت‌های پیمانی، افزایش شدت کار، نپرداختن دستمزدها و یا بالا کشیدن آن به بهانه‌های مختلف از جمله پیامدهای خصوصی سازی و شبه دولتی سازی‌ها برای کارگران بوده است.

با تشدید بحران سرمایه داری ایران پیامدهای مخرب این سیاست اقتصادی بیش از پیش آشکار گردید و موجب اعتراض کارگران شد. به عنوان مثال کارگران هفت تپه و فولاد اهواز همچون کارگران برخی معادن در سال‌های گذشته بطور مشخص و صریح تر در اعتصاب‌های کارگری مخالفت خود را با خصوصی سازی اعلام کردند و خواهان بازپس‌گیری واحدهای خصوصی شده از کارفرمای خصوصی شدند. خصوصی سازی از نیازهای ضروری اقتصاد است اما طی قریب به دودهمه گذشته دولت‌ها عمدتاً خلاف جهت خصوصی سازی واقعی حرکت کرده‌اند. (روزنامه کیهان، ۲۶ مرداد ۱۳۹۸) در فرایند غلط و ناقص خصوصی سازی در کشور بسیاری از سرمایه‌های ارزشمند ملی نابود شد و کارگران به عنوان نیروی مولد با نارضایتی‌های گسترده‌ای همراه شدند و قصه خصوصی سازی در کشور را به قصه‌ای پرغصه تبدیل کردند که هرازگاهی همچون زخمی چرکین سربرمی‌آورد و فضای اجتماعی و سیاسی کشور را ملتهب می‌کند. (خسروانی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

۵/۲- **پرداخت نکردن به موقع دستمزدها:** اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد و یا نپرداختن دستمزد مانند سال‌های پیش، علت اصلی بیشترین اعتراضات کارگری بود. در هر مقطع از سال، ده‌ها

هزارکارگرو بازنشسته واحدهای تولیدی و خدماتی با معضل دستمزدهای معوقه و یا بالا کشیدن دستمزد توسط کارفرماها دست و پنجه نرم می کردند. اغلب کارگران به علت عدم پرداخت منظم دستمزدها با مشکل روبه رو هستند. عدم پرداخت منظم دستمزدها در واحدهای تولیدی مشکلات خانوادگی و معیشتی زیادی برای کارگران به وجود آورده است. (Thompson, ۱۹۶۶: ۱۰-۱۱) دارا بودن امنیت کاری و اقتصادی و داشتن درآمدی نسبی و منظم برای جامعه بسیار حائز اهمیت بوده و نقش مهمی در حفظ نظم اجتماعی ایفاء می نمایند، با به خطر افتادن امنیت مورد اشاره شاهد کنش هایی در بطن جامعه خواهیم بود که آن کنش ها گاهی به حرکت ها و یا جنبش های اجتماعی تبدیل و نظام سیاسی را با مشکل روبه رو یا تغییر آن را سبب می گردد.

از این رو، بارشد و گسترش عدم پرداخت مزد و یا عدم پرداخت به هنگام مزد به نیروی کار زمینه آشفتنگی هایی در نظام سیاسی فراهم می شود. سهم اعظم شکل گیری سرمایه اجتماعی محصول کارکرد صحیح و منظم نهادها است که بایستی تمام توان خود را شکل گیری و تقویت آن معطوف دارند و از هرگونه طرح، برنامه و سیاستگذاری و رفتاری که در راستای کاهش سرمایه اجتماعی است خوداری نمایند. (کریمی موغاری، ۱۳۹۴: ۱۲۵)

۵/۳- نداشتن امنیت شغلی: یکی از دغدغه های مهم کارگران در کنار امنیت شغلی، موضوع تامین معاش است که متأسفانه طی سال های گذشته به دلیل فاصله زیاد دستمزد با نرخ تورم واقعی، قدرت خرید آنها به شدت کاهش یافته است و این در حالی است که موضوع دستمزد تأثیر زیادی بر متغیرهای کلان اقتصادی دارد. سطح پایین دستمزد ها و بنابراین خواست افزایش آن اگر نه با همین عنوان اما زیر عنوان دیگری دیگر از دلایل اعتراض ها بود. خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، رفع تبعیض در پرداخت دستمزد تحت قراردادهای مختلف آن هم در یک واحد تولیدی و خدماتی، و همسان سازی دستمزد ها، بخشی از خواست کارگران برای افزایش دستمزد بود که برای تحقق آن دست به اعتراض زدند. این اعتراض ها نسبت به سال های گذشته برجستگی بیشتری داشته است. (دریابیگی، کانون بازنشستگان، روزنامه عصر اقتصاد ۹۸/۰۳/۲۶). اخراج کارگران به بهانه اتمام قرارداد و یا به دلیل تعطیل و یا نیمه تعطیل شدن مراکز تولیدی و خدماتی و یا پایان یافتن قرارداد های موقت و عدم تبدیل وضعیت با بستن قرارداد مستقیم با کارفرمای اصلی، از دیگر عوامل مهم اعتراضات کارگران است. موضوع امنیت شغلی مهمترین مؤلفه و مطالبه این روزهای کارگران کشور است. امروزه دغدغه اصلی و چالش بسیاری از افراد و جوانان در شغل های مختلف فراتر از نبود بیکاری و نداشتن شغل هراس از نداشتن امنیت شغلی در پی انعقاد قراردادهای موقت کارفرمایان با آنان است. (پایگاه خبری ایران اکونومیست اردیبهشت ۱۳۹۸).

۵/۴- سطح پایین دستمزدها: سطح پایین دستمزد ها و بنابراین خواست افزایش آن اگر نه با همین عنوان اما زیر عنوان دیگری یکی دیگر از دلایل اعتراض ها بود. خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، رفع تبعیض در پرداخت دستمزد تحت قراردادهای مختلف آن هم در یک واحد تولیدی و

خدماتی، و همسان سازی دستمزد ها، بخشی از خواست کارگران برای افزایش دستمزد بود که برای تحقق آن دست به اعتراض زدند. این اعتراض ها نسبت به سال های گذشته برجستگی بیشتری داشت.

۵/۵- دولت رانتیر: به درآمدی که بدون زحمت و تلاش یدی یا فکری به دست می آید، رانت به درآمدهایی گفته میشود که هر دولت از راه فروش و صادرات منابع زیرزمینی و خدادادی به خارج به دست می آورد این درآمدها با فعالیت های تولیدی اقتصاد داخلی ارتباط ندارند. همچنین، کمک مستقیم بیگانگان به بعضی از کشورها نیز جزو درآمدهای رانتی محسوب می شود درآمدهای ناشی از فروش نفت، گاز، اورانیوم، آهن، مس و... بارزترین نمونه های رانت شمرده می شوند. دولت های رانتیر باعث ترویج روحیه رانتی و گسترش فساد در جامعه می شوند. در این سیستم، استعدادهای جامعه به جای نوآوری، تلاش و خلاقیت، به سوی کسب درآمدهای آسان و بادآورده سیر می کنند و موفقیت درگرو قرار گرفتن در ساختار بوروکراتیک و رابطه با صاحبان رانت خواهد بود (رهبری، ۱۳۸۹: ۲۳۶).

رشد روحیه رانت خواری در اقتصاد: تمام استعدادهای جامعه به فعالیت های مربوط به رانت تخصیص می یابد به جای نوآوری و پرداختن به فعالیت های مولد و در چنین شرایطی درآمد افراد به جای اینکه به کار و فعالیت تولیدی وابسته باشد به شانس و موقعیت آنها در ساختار بروکراسی دولتی بستگی دارد (طیبیان، ۱۳۷۱: ۲).

امروزه جامعه کارگری ایران در شرایط سخت اقتصادی و طاقت فرسایی بصرمی برد از یک سوفشارتحریم ها، اختلالات اقتصادی، افزایش بی رویه تورم افسارگسیخته و کاهش قدرت فرودستان، و ازسوی دیگر خصوصی سازهای پس از انقلاب، تعطیلی بعضی از کارخانه های تولیدی، تعدیل نیرو، اخراج کارگران و کاهش امنیت شغلی کارگران منجر شده است.

همانطوری که دیدگاه اسلمسردراین مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت و دربخش فشارساختاری هویدا است کارگران بخاطر فشارهای ناشی از محرومیت واقعی یا پیش بینی شده جایگاه مهمی در شروع طغیان های خصومت آمیز، جنبش های اصلاحی و انقلابی و... دارا می باشند. به عنوان مثال هراس های مالی زمانی بوجود می آید که دارندگان سرمایه ها فکرکنند که تهدید به ضرر یا نابودی مالی شان شده است.

در مجموع می توان به این نتیجه رسید که تشکیل و تکوین کنش های کارگری در ایران به دلایلی از قبیل نپرداختن به موقع دستمزد کارگران، نداشتن امنیت شغلی، سطح پایین دستمزدها، اخراج کارگران و تعدیل نیرو، دولت رانتینر، بالاخص خصوصی سازی و یا شبه دولتی سازی انجام گرفته است. اما خصوصی سازی در سالیان اخیر نقش اساسی داشته است چراکه اکثر موارد منجر به تضعیف موقعیت کارگران شده است: بستن واحدهای خصوصی و سپس فروش زمین و تجهیزات و بعضی از کارخانه ها اخراج عده ای از کارگران تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی، گسترش قراردادهای موقت و ورود شرکت های پیمانی، افزایش شدت کار، نپرداختن دستمزدها و یا بالا کشیدن حقوق آنها، به بهانه های مختلف از پیامدهای خصوصی سازی و شبه دولتی سازی برای کارگران بوده است. بنابراین؛ اخراج و تعطیلی کارخانجات صنعتی و فشارهای ناشی از بروز مسایل اقتصادی بر طبقه فرودستان موجب فاصله طبقاتی آنها با دیگر اقشار جامعه زیادتر شده است.

در نتیجه نابرابری ها و نارسایی های اقتصادی و اجتماعی موجب بروز نارضایتی هایی برای کارگران فراهم آورده است و در این راستا کارگران هم ناچاراً "دست به اعتراضات اجتماعی زده و با شیوه های مختلف به بیان خواسته های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی خود دست می زنند.

- آبراهمیان، پرواندا (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحی، تهران: نشرنی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، نشر سمت.
- اسملسر، نیل (۱۳۸۰) تئوری رفتار جمعی، ترجمه: رضا دژاکام، تهران: موسسه‌های یافته‌های نوین با همکاری موسسه نشر داروین، چاپ اول.
- اشرف، احمد. علی بنوعزیزی (۱۳۸۸) طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، تهران، انتشارات آگاه.
- امین صارمی، نوذر (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- بشریه، حسین (۱۳۸۱) دیپاچه ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی، تهران، نشرنی.
- بشریه، حسین (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران، نشرنی.
- بهداد، سهراب. نعمانی، فرهاد (۱۳۷۸)، طبقه و کار در ایران، محمود متحد، تهران، انتشارات آگاه.
- بهکش، محمدمهدی (۱۳۳۸). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران، شرفی.
- تریمبرگر، آلنکی (۱۳۸۸)، «ای. پی. تامپسون: فهم فرایند تاریخ»، پیش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، به کوشش تدا اسکاچپول، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.
- حبیب زاده، افشین (۱۳۸۷)، مشارکت سیاسی طبقه کارگر در ایران، نشر کویر.
- خیراللهی، علیرضا (۱۳۹۷)، کارگران بی طبقه (توان چانه‌زنی کارگران در ایران پس از انقلاب) تهران، ناشر آگاه.
- دلپورتا، اثر دوناتلا (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- راب سول (۲۰۰۴)، سندیکاها در دوران بحران سرمایه داری و نیاز به استراتژی انقلابی، ترجمه شیرین میرزا نژاد، تیر ۱۳۹۷ تهران.
- رفیع پور، فرزاد (۱۳۷۶)، توسعه و تضاد، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- سعیدی، ناصر (۱۹۹۸) تاریخچه ای از مبارزات و بحث‌های پیرامون کنترل و مدیریت کارگری، کتاب پژوهش کارگری، شماره ۱.

سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۷)، رشد روابط سرمایه داری در ایران، نشر گسترش.

شکیبا مقدم، محمد (۱۳۸۳)، روابط کار در سازمان، تهران، نشر مسیر.

عراقی، عزت (۱۳۶۷)، حقوق بین‌المللی کار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فرد، سیدی (۱۳۶۳)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، کشاورز، تهران: امیرکبیر.

فلور، ویلم (۱۳۷۵)، اتحادیه های کارگری و قانون کار در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، توسل، تهران، انتشارات توس.

فوران، جان (۱۳۷۸)، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه: احمد، تدین. تهران: انتشارات رسا.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سلسله پهلوی، ترجمه، محمدرضا نفیسی، تهران: نشر مرکز.

کالین لیز، لئو پانیچ (۱۳۸۶). مانیفست پس از ۱۵۰ سال، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگاه.

کامبخش، عبدالصمد (۱۳۵۸)، شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری در ایران، چ ۵، بی‌جا: انتشارات حزب توده.

کاووسی، فریدون (۱۳۵۷) کارگر ایرانی در ایران امروز، تهران: نشر مرکز تحقیقات.

گازیوروسکی، مارک (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، تهران: رسا.

لاجوردی، حبیب (۱۳۶۹). «اتحادیه های کارگری و خودکامگی در ایران»، ترجمه: ضیاء صدقی، نشر نو.

لئوپانیچ، کالین لیز (۱۳۸۶)، مانیفست، پس از ۱۵۰ سال (مجموعه مقالات) چاپ سوم، تهران، نشر، آگاه.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵)، درآمدی نظری بر جنبش های اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۶). تاریخ بیست و پنج ساله ایران، تهران: رسا.

هالیدی، فرد (۱۳۵۸). دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فیض الله نیک آیین، تهران: امیرکبیر.

هویدا، فریدون (۱۳۸۸). سقوط شاه، تهران: اطلاعات.

ویلیم، فلور (۱۳۷۱)، اتحادیه های کارگری و قانون کار در ایران، ترجمه ی ابوالقاسم سری، تهران: نشر توس.

مجلات.

حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۷۷) استقلال دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران مطالعات راهبردی، شماره ۲۰ (زمستان).

خسروانی، عباس (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر عوامل ساختاری تولید بر بروز اعتراضات کارگری در شهر اراک، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۲۴.

طیبیان، محمد (زمستان ۱۳۷۱) «رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی» برنامه و توسعه شماره ۴.

فریار، اکبر (۱۳۸۰)، اتحادیه های کارگری در دنیای امروز، اطلاعات سیاسی - اقتصادی - شماره ۱۶۳ و ۱۶۴.

کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۴)، بررسی رفتار حداقل دستمزد و اثر آن بر اشتغال جوانان در بازار کار ایران، پژوهش نامه اقتصاد کلان، سال دهم، شماره ۱۹.

پایگاه ها و روزنامه ها

پایگاه خبری ایران اکونومیست.

پایگاه داده های مرکز آمار ایران.

روزنامه کیهان.

روزنامه عصر اقتصاد.

سایت ایلنا.

سایت خانه ملت.

قانون کار.

Bashiriyeh, Hossin (1984) *The State and Revolution in Iran (1962-1982)*,
London and Canderra: Croom Helm Press.

Bayat, Assef (1987). *Worker and Revolution in Iran*, London: Zed Book.

Thompson, E.P. (1966). *The Making of the English Working Class*,
NewYork Press.